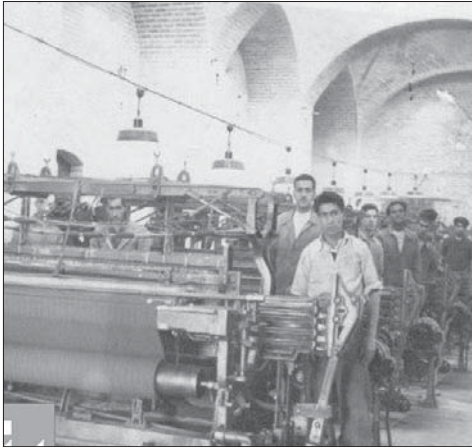




از تولید پارچه فاستونی تا واردات بامو

نگاهی به فراز و فرود زندگی محمد هراتی از کارخانه داری تا نمایندگی مجلس



بسیاری از فعالان سیاسی معتقد بودند که محمد هراتی با نفوذ قوام به مجلس راه یافته است؛ موضوعی که حتی در روزنامه «صدای مردم» که حزب مردم آن را منتشر می کرد، منعکس شد.

یزد را به دلیل کارخانه های متعدد بافندگی، تولید نخ، انواع پارچه و... باید شهر صنعت نساجی در کشور دانست. از دهه های قبل بسیاری از کارخانه های مرتبط با این صنعت در این شهر شکل گرفتند و بسیاری از کارآفرینان مهم یزدی در این صنعت فعالیت داشته و دارند که از آن جمله باید به خانواده هراتی اشاره کرد. پدر و پسری که در دوره پهلوی نقش مهمی در اقتصاد این شهر کویری و حتی کشور داشتند و کارخانه مهم نساجی درخشان را راه اندازی کردند. حسینعلی هراتی (فرزند ابولقاسم) و پسرش محمد، نقش مهمی در توسعه فعالیت های اقتصادی یزد داشتند. حسینعلی هراتی از بازرگانان معروف و خوشنام بود که در اراضی جنت آباد یزد کارخانه نخریسی تاسیس کرد.

همچنین کارخانه پشمریسی و پارچه بافی درخشان

با مشارکت برادران ایدون بهرام زرتشتی و حسینعلی هراتی و با سرمایه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال در سال ۱۳۱۴ شروع به کار کرد.

این کارخانه در جوار کارخانه نخریسی (پنبه ریزی) هراتی بود. البته کارخانه درخشان اگرچه توسط پدر (حسینعلی) راه اندازی شد ولی این فرزندش بود که کار را توسعه داد و کارخانه نساجی درخشان را به یکی از بزرگ ترین مجموعه های صنعتی در دوره خود تبدیل کرد.

محمد هراتی پسر بزرگ حسینعلی تا پایان دوره متوسطه در یزد تحصیل کرد. او نقش موثری در تداوم فعالیت های اقتصادی پدر و واردات ماشین های کشاورزی داشت. او در سال ۱۲۹۲ در یزد به دنیا آمد. محمد هراتی بعد از تحصیل، در کارخانه ریسندگی و بافندگی درخشان مشغول کار شد و بعد از مدتی ریاست هیئت مدیره این کارخانه را به عهده گرفت و در ضمن به فعالیت های تجاری و اقتصادی در کنار کارهای صنعتی روی آورد.

هراتی، نماینده دوره ۱۵ و ۱۶ مجلس شورای ملی او همچنین دستی در سیاست داشت و مانند برخی از فعالان تجاری و صنعتی هم دوره اش به حضور در مجلس شورای ملی وقت علاقه نشان داد و با کاندیداتوری دو دوره به عنوان نماینده مردم یزد به مجلس راه یافت. البته حضور هراتی و افرادی مانند او در آن سال ها با حاشیه هایی همراه می شد و بیشتر نیروهای ملی و گروه های مخالفت سلطنت انتخاب افرادی مانند هراتی را نتیجه دستکاری در انتخابات و رأی فرمایشی می دانستند که با نفوذ حکومت و به کمک پول این سرمایه داران اتفاق افتاده است.

گرایش محافظه کارانه هراتی در مجلس، همسویی با طرفداران سلطنت و نگاه مثبت به کشورهای غربی در تعارض با سیاست های ملی بود و همین موضوع هم نگرش منفی نسبت به او را بیشتر می کرد.

بسیاری از فعالان سیاسی معتقد بودند که محمد هراتی با نفوذ قوام به مجلس راه یافته است؛ موضوعی که حتی در روزنامه «صدای مردم» که حزب مردم آن را منتشر می کرد، منعکس شد. این روزنامه به دلیل مخالفت با قوام در ۱۶ دی ۱۳۲۵ توقیف شد. در روزنامه حزب مردم نوشته شد: «این را تاریخ ایران نمی تواند تحمل کند که ارسنجان، هراتی، باتمانقلیچ و شهاب خسروانی و این نوع اشخاص که به زور زر و سیم و سرنیزه سر از صندوق انتخابات درآوردند، به جای مدرس، مومتن الملک و... بنشینند، برای بنده و شما قانون بنویسند و بر پانزده میلیون نفر حکومت کنند. اینها اگر به مجلس رفتند و اعتبارنامه شان تصویب شد، باید فاتحه مشروطیت و قانون اساسی را خواند.»

با همه اینها محمد هراتی نماینده دوره های ۱۵ و ۱۶ (سال های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰) مجلس بود. او سال ۱۳۲۶ در دوره پانزدهم با کسب ۲۷۲۷۳ رأی از مجموع ۳۰۶۶۸ رأی و در سال ۱۳۲۸، دوره شانزدهم مجلس، با کسب ۲۰۳۶۴ رأی از ۲۷۳۳۳ رأی یزد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.

همچنین با کسب ۲۰۳۶ رأی به عنوان نماینده یزد در مجلس موسسان دوم حضور یافت. او از ۳۴ تا ۳۸ سالگی نمایندگی مجلس را در کنار کارهای اقتصادی و صنعتی برعهده داشت. سال های حساسی که هم زمان با ترور رزم آرا و نخست وزیر

دکتر مصدق و ملی شدن صنعت نفت بود.

کارخانه‌ای مجهز و با سرمایه‌گذاری بالا

حضور در کارزار سیاست باعث نشد که محمد هراتی از کسب و کار خانوادگی و اداره مجموعه‌های صنعتی و اقتصادی عقب بیفتد؛ او در واقع با وجود علاقه مقطعی به فضای سیاست، خود را یک فعال اقتصادی می‌دانست و در نهایت همین موضوع هم بود که باعث شد سیاست و نمایندگی مجلس را کنار بگذارد و به کسب و کار صنعتی و تجاری خانوادگی‌اش بپردازد. محمد هراتی به دنبال این بود که کارخانه نساجی درخشان را که پدرش با شرکای خود در دهه ۲۰ راه‌اندازی کرده بودند به مجموعه صنعتی مدرنی تبدیل کند و به همین دلیل دائم از ماشین‌آلات مدرن در خطوط تولید استفاده می‌کرد و از کارشناسان خارجی در آن مجموعه بهره می‌برد.

در دوره بازسازی و مدرن‌سازی مجموعه ماشین‌های کارخانه ریسندگی درخشان به کمک کارشناسان فنی خارجی و همراهی استاد غلام صنعتی نصب شدند. بهای خرید ماشین‌آلات نساجی، حمل و نصب آنها در این دوره ۳ میلیون ۴۰۰ هزار ریال و سرمایه شرکت ۴ میلیون ۴۰۰ هزار ریال بود. در مراحل مختلف سرمایه شرکت به ۱۰ میلیون ریال افزایش یافت.

البته در کتاب «سرگذشت کنشگران اقتصادی ایران» درباره زمان ابتدایی راه‌اندازی این مجموعه در سال ۱۳۱۴ از سوی پدر محمد هراتی (حسینعلی هراتی) و شرکایش، نوشته شده: «کارخانه درخشان در بدو تاسیس ۱۱۴۰ دوک باریک‌ریس ابریشم، ۴۵۸ دوک کلفت‌ریس، ۱۵ دستگاه بافندگی تکمیل کاری و ۱۰۰ دستگاه بافندگی موتوری دستی داشت.

مدیریت کارخانه در هنگام تاسیس با خدامراد شریک زرتشتی حسینعلی هراتی (پدر محمد هراتی) بود. در آن دوره برادران خدامراد نیز شریک در کارخانه بودند. کارخانه ظرفیت تهیه ۷۲ تن نخ ابریشم از شماره ۸ تا ۴۰ و بافتن ۸۰ هزار متر پارچه ابریشم را داشت. درخشان، اولین کارخانه‌ای بود که کرک بافی را در ایران شروع کرد و نخ دولاتاب تولید می‌کرد.

سال ۱۳۱۴ در کارخانه درخشان یزد ۲۵۰ نفر کار می‌کردند که دو سال بعد به ۳۰۰ نفر رسیدند. کارخانه ریسندگی و بافندگی هراتی در سال ۱۳۱۴ تاسیس

شد. بهای ماشین‌آلات، حمل و نصب آنها ۲ میلیون و ۲۱ هزار و ۳۷۱ ریال و سرمایه اولیه شرکت ۲ میلیون و ۹۱۴ هزار و ۴۹۶ ریال بود.

این کارخانه، ۳۲۴۰ دوک پنبه‌ریسی آلمانی داشت که بعدها ۵۰۰ دوک دیگر و ۵۲ دستگاه بافندگی خریداری و اضافه شد. دستگاه‌های کارخانه در سال ۱۳۱۶ عبارت بودند از: دو دستگاه مخصوص تصفیه و حلاجی پنبه، نه دستگاه ریسندگی و... محصول کارخانه، نخ پنبه خام و تاییده از شماره ۲۰ تا ۴۲ بود. کارخانه درخشان در تمام سال‌های دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ مجموعه صنعتی رو به رشدی بود که محمد هراتی در این توسعه نقشی اساسی بازی می‌کرد.

اعضای هیئت مدیره کارخانه در اوایل دهه ۵۰ اعضای خانواده هراتی، مهدی طاهری، رستم خدامراد، فریدون ایدون و هدایت آیت‌اللهی بودند و مدیریت عامل کارخانه برعهده امیرهراتی فرزند بزرگ محمد هراتی بود.

در این دوره کارخانه یک متخصص خارجی، دو متخصص داخلی و ۶۸۰ کارگر داشت. سرمایه شرکت در دهه ۵۰ به ۱۳۵ میلیون ریال رسیده بود و سالانه انواع پارچه پشمی (فاستونی و گاباردین) به اندازه ۴۵۰ هزار مترمربع، انواع پارچه نخی ۸۰ هزار متر، ۸ هزار و ۴۰۰ طاقه پتو و ۶۵ هزار بقچه ریسمن تولید می‌کرد. مساحت کارخانه درخشان یزد ۴۵ هزار متر مربع و زیربنای آن ۱۵ هزار متر مربع بود.

شاهرخ ظهیری (موسس شرکت مه‌رام) که از سال ۱۳۳۷ و برای مدتی با حقوق با ماهیانه ۲۵۰ تومان صبح‌ها در فروشگاه مرکزی کارخانه درخشان پیش محمد هراتی کار می‌کرد، از او به عنوان یک کارآفرین باهوش یاد می‌کند.

او در کتاب «سرگذشت پیشگامان رشد» درباره اولین روزهای کاری‌اش در فروشگاه درخشان گفته: «هراتی از کارآفرینان خلاق و صنعتگران روزگار خودش بود. در ابتدای کار در فروشگاه به من چارپایه‌ای دادند تا در گوشه‌ای از مغازه بنشینم و روند کار را تماشا کنم. بعد از مدتی و دیدن ایرادهای کار به لیست فروش در این مجموعه نظم و ترتیب دادم. آن سال‌ها یادم می‌آید که محمد هراتی دائم بین تهران و یزد در سفر بود.» ظهیری همچنین می‌گوید که هراتی کمک می‌کرد تا افرادی که در مجموعه او کار می‌کردند و با استعداد

بودند رشد کنند. او می‌گوید: «این هراتی بود که راه من را به سوی موفقیت‌های بعدی (راه‌اندازی مجموعه صنعتی مه‌رام و تبدیل شدن به یک صنعتگر و کارخانه‌دار و کارآفرین) هموار کرد. من صداقت و درستکاری در معامله را از هراتی و لاجوردی در بازار آموختم.»

از فروش عمده پارچه تا واردات ماشین‌آلات کشاورزی در آن سال‌ها کیفیت و قیمت تولیدات کارخانه‌جات هراتی به نوعی بود که بسیاری از سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و نظامی کشور از جمله شهرداری کل کشور هر ساله پارچه مورد نیاز یونیفورم کارکنان و ماموران خود را از کارخانه درخشان یزد خریداری می‌کردند، اتفاقی که سالانه سود بسیار زیادی برای محمد هراتی داشت و همیشه تولید در این کارخانه را رو به رونق نگه می‌داشت تا جایی که یک سال وقتی شهرداری قصد خرید از کارخانه درخشان را نداشت هراتی هر کاری کرد تا بار دیگر شهرداری را راضی کند که خرید عمده خود را از کارخانه او انجام دهد و البته موفق هم شد.

علاوه بر اینها در همین سال‌ها (دهه ۳۰ و ۴۰) محمد هراتی در کنار کار صنعتی به مدرن‌سازی کشاورزی در ایران هم علاقه نشان داد و شرکتی برای واردات ماشین‌های فلاحی (کشاورزی) تاسیس کرد؛ واحدی که اقدام به وارد کردن تراکتور و کمباین از شرکت آستین انگلیس می‌کرد.

محمد هراتی به ماشین هم علاقه بسیاری داشت و همین موضوع باعث شد تا او نخستین کسی باشد که نمایندگی واردات خودروی سواری بامو آلمان را در ایران تاسیس کند، و دفتر نمایندگی را در تهران، خیابان شریعتی راه‌اندازی کرد.

البته سرنوشت و سرانجام زندگی محمد هراتی همچون صناعی که راه‌اندازی کرد، روشن نبود زیرا با وقوع انقلاب در سال ۱۳۵۷ و به دلیل نزدیکی هراتی به دولت و حاکمیت و همچنین حضور او در مجلس به عنوان نماینده مجلس (در دو دوره) گروهی از انقلابیون به منزل او وارد شدند و محمد هراتی را دستگیر و پس از مدت کوتاهی اعدام کردند.

پیکر هراتی در تهران دفن شده است. همچنین اموال او مصادره شد و واحدهای صنعتی‌اش پس از چند دهه کار مستمر و شبانه‌روزی تعطیل شدند.